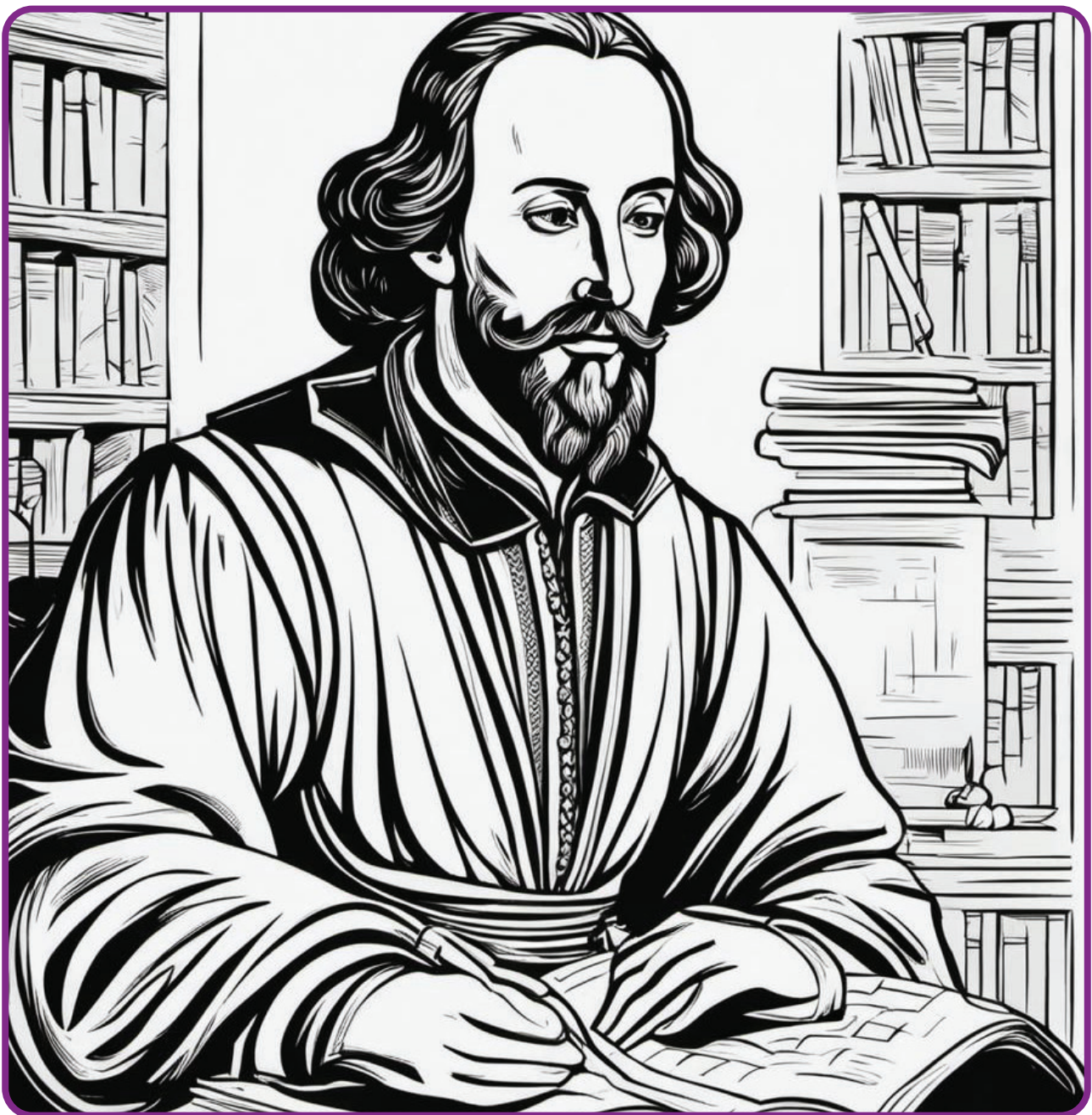


زبان انگلیسی



Lesson 1
Vocabulary:

blood pressure	فشار خون	regard	احترام/توجه	burst into tears	ناگهان، گریه کردن
advice	نصیحت	with no regards to something	بدون توجه به چیزی	tear	اشک
successful	موفق	he was regarded as	شناخته می‌شد به‌عنوان	repeatedly	به دفعات زیاد
improve	بهبود	dedicated to something or somebody	وقف چیزی یا کسی شده	forgive	بخشیدن
increase	افزایش	spare no pains	همه کاری کردن/ هر زجری را برای رسیدن به چیزی کشیدن	calm	آرام
decrease	کاهش	distinguished	شناخته شده	calmly	با آرامش
function	کارکرد	not surprisingly	بی‌تعجب	diary	دفتر خاطرات
grandchildren	نوه‌ها	found	افتتاح کرد	generate	تولید کردن/ ساختن
grandchild	نوه	terrible	افتضاح	generation	نسل
grandson	نوه پسر	catch a cold/ catch the flu	سرما خوردن / آنفولانزا گرفتن	after a while	بعد از مدتی
granddaughter	نوه دختر	receive	دریافت کردن	ethics	اخلاقیات
taking care of someone	نگهداری کردن از کسی	generous	بخشنده	morals	اخلاقیات
respect	احترام	hometown	سرزمین مادری	inspiration	انگیزه
parents	والدین	disease	بیماری	poet	شاعر
elderly people	افراد پیر	pity	افسوس	author	نویسنده
donate	هدا کردن (صدقه)	sofa	مبل	for instance	به‌عنوان مثال
appropriate	مناسب	shout	داد	elicit	بیرون کشیدن/ استنباط کردن
cruel	بدجنس/ بی‌رحم	hard of hearing	کم‌شنوا	contrast	تفاوت
kind	مهربان	pigeon	کبوتر	values	ارزش‌ها/هنجارها
polite	مؤدب	was born	متولد شد	peaceful	صلح‌آمیز
careful	مراقب	sitting on someone's lap	روی پای کسی نشستن	principals	قاعده و قانون
take temperature	درجه حرارت بدن را گرفتن	worthy	لایق	heritage	میراث

physician	دکتر عمومی	grateful	قدردان	culture	فرهنگ
appreciate	قدردانی	handle something/ I can handle my final exam	از پس چیزی برآمدن / من می‌توانم از پس امتحان نهایی‌ام بر بیام	bless you	عافیت باشه

Collocations:

- ✓ در فارسی و انگلیسی بعضی اوقات دو تا اسم با هم استفاده میشن با ترتیبی خاص مثل: چلوکباب
- ✓ به‌عنوان یه کسی که زبان مادریش فارسیه اگر کسی به شما بگه کباب چلو شما می‌فهمین منظور طرف چیه، ولی عجیبه براتون. انگلیسی هم همینه باید بعضی از اسم‌ها و فعل‌ها رو با ترتیب خاصی بلد باشین که معنی به‌خصوصی میدن به اینا میگن کالوکیشن. کالوکیشن‌های درس ۱ از این قراره:
- ✓ Feel well – go abroad – spare no pains – by the way – burst into tears – take temperature – not surprisingly

Grammar:

Passive voice

- ✓ در کل به معنی مجهول کردن است. جمله مجهول جمله‌ایه که نمی‌دونیم انجام دهنده فعل جمله در اون جمله کیه. مثال:
 - ✓ مادرم شام پخت / شام پخته شد
 - ✓ در زبان انگلیسی هم می‌تونیم وقتی نمی‌خوایم بگیم یا وقتی نمی‌دونیم انجام دهنده یه کاری کیه از فعل‌های مجهول استفاده کنیم.
 - ✓ My mother cooked dinner.
 - ✓ The dinner was cooked.
 - ✓ جمله‌های مجهول حتماً به مفعول نیاز دارن. مثلاً تو این جمله شام (dinner) مفعول جمله‌ست.
 - ✓ می‌تونیم در جمله مجهول به انجام دهنده کار هم اشاره کنیم. مثال:
 - ✓ شام توسط مادرم پخته شد.
 - ✓ The dinner was cooked by my mother.
 - ✓ با این حال فعل جمله هنوز به‌صورت مجهول استفاده می‌شه.
 - ✓ مجهول کردن در زمان حال استمراری (present continuous):
 - ✓ مادرم شام می‌پزد.
 - ✓ شام پخته می‌شود.
 - ✓ مجهول کردن در زمان حال ساده (simple present):
 - ✓ My mom cooks dinner every night.
 - ✓ The dinner is cooked every night.
 - ✓ To be verb (is / are / am) + p.p. verb
 - ✓ مجهول کردن در زمان حال کامل (present perfect):
 - ✓ My mom has cooked dinner.
 - ✓ The dinner has been cooked.
 - ✓ Has / have + been + p.p. verb
 - ✓ مجهول کردن در زمان گذشته ساده (simple past):
 - ✓ My mom cooked dinner.

- ✓ The dinner was cooked.
- ✓ Was / were + p.p. verb

نکته دقت کنید که در تمام این مثال‌ها فعل به صورت past participle (p.p) میاد و نه گذشته، پس لطفاً p.p فعل‌ها رو حفظ کنید.

Grammar tag questions:

✓ کلاً این سؤالات سؤالات استفهام انکاری‌اند.

✓ یعنی اینکه بیشتر به جای اینکه سؤال واقعی باشن که از کسی که ازش پرسیده شده، جمله ست.

مثل: علی پسر خوبیه، نه؟

✓ Ali is a good boy, isn't he?

✓ دقت کنید که چه تو فارسی چه تو انگلیسی سؤالی که می‌پرسیم برعکس جمله‌ست. مثلاً نمی‌گیم علی پسر خوبیه، آره؟ (بلکه می‌گیم: علی پسر خوبیه، نه؟) یا نمی‌گیم:

✓ Ali is a good boy, is he?

✓ پس واضح که در انگلیسی برای همچین سؤالاتی فعل می‌خواهیم و فعل باید مخالف فعل جمله اصلی باشه.

✓ اول چند تا مثال برای وقتی که فعل جمله مثبت و فعل سوال منفی، ببینیم:

✓ Mina is happy, isn't she?

✓ He was here, wasn't he?

✓ The girls were weaving a carpet, weren't they?

✓ **حالا عکس حالت بالا:**

✓ His father won't buy a new car, will he?

✓ The boys haven't broken the window, have they?

✓ Your sister has passed the exam, hasn't she?

نکته به جمله‌های بالا توجه کنین. کما بعد جمله اصلی یادتون نره!

Lesson 2

Vocabulary:

combination	ترکیب	stand for	مخفف ... است	symbol	نماد
arrange	مرتب کردن	effectively	به طور موثر	introduction	معرفی‌نامه
throughout	در طول	abbreviations	مخفف‌ها	jump into something	ناگهانی تصمیم به انجام کاری گرفتن
identify	شناختن	therefore	بنابراین	section	قسمت
comprehensible	قابل فهم	immediately	بلافاصله	origin of a word	ریشه کلمه
available	در دسترس	preposition: (in, on, at...)	حرف اضافه	confusing	گیج کننده
reproduce	تولیدمثل کردن	thus	بنابراین	communication	ارتباط
drought	خشک‌سالی	essential	اساسی	scavenger	لاشه‌خوار
magnifying glass	ذره‌بین	compile	گردآوری، جمع کردن	pollution	آلودگی

actions speak louder than words	عمل مهمه نه حرف	bilingual dictionary	لغتنامه دوزبانه	monolingual dictionary	لغتنامه تک زبانه (مثل دهخدا)
elementary	سطح پایه	suppose	فرض کردن	recommend	پیشنهاد دادن
I wonder if you could help me	آیا می‌تونید به من کمک کنید	advanced	سطح پیشرفته	intermediate	سطح میانه
in fact	در واقع	wondering about something	کنجکاو بودن راجع به چیزی	wonder	تعجب و شگفتی
dictionary entry	معنی لغتی که در دیکشنری نوشته شده	contain	دربرداشتن، شامل شدن	fact	حقیقت
				figure something out	فهمیدن چیزی

Word attack:

✓ گاهی وقت‌ها باید معنی کلمه‌ها رو از رو هم‌خانواده‌هاشون تشخیص بدین. کلمه‌هایی که توی این درس این‌طوری معرفی شدن این کلمه‌ها هستن:

☐ increasingly ➔ increase

✓ مثلاً در کلمه بالا باید تشخیص بدین که increasingly یک adverb هست، (به‌خاطر ly) اون وقت با دونستن معنی increase می‌تونین بفهمین که معنی‌ش می‌شه: به‌طور افزایشنده
✓ بقیه کلمه‌ها هم از این قرارن:

- ✓ communicative → communication
- ✓ accidentally → accident
- ✓ endangering → endangered, danger
- ✓ unsuccessfully → successful
- ✓ unsystematically → system
- ✓ incomprehensible → comprehend
- ✓ unexpectedly → expect
- ✓ international → nation
- ✓ unchangeable → change

Grammar

☐ Relative clause

✓ فارسی که حرف می‌زنیم معمولاً وقتی می‌خوایم چیزی رو توضیح بدیم از (که) استفاده می‌کنیم.
✓ مثلاً: علی رو می‌گم همون پسر (که) موهاش فره.

در انگلیسی این (که) سه حالت داره:

- ✓ که برای اشیا و حیوانات: which
- ✓ که برای آدم‌ها: who
- ✓ که کلی: that

✓ Ali, the boy who has curly hair.

- ✓ Ali, the boy that has curly hair.
- ✓ Which: The cat which has black skin.

Conditional type 2:

✓ این مدل جملات شرطی راجع به احتمال صحبت نمی‌کنن، بیشتر حالت ناممکن دارن و برای زمان گذشته‌ن.
 ✓ مثلاً: اگر باهوش بود، نمره‌م بیست می‌شد.

■ If I was clever, I would get a 20.

✓ دو طرف جمله یک زمان داره و اون هم گذشته‌ست، طرفی که حاصل شرطه رو براش از فعل‌هایی مثل could, would و... استفاده می‌کنیم.
 ✓ چند تا مثال:

- ✓ If the old man had his glasses, he could read the paper.
- ✓ If it got warmer, they would travel to the north.

✓ جای شرط و جواب شرط برعکس هم می‌تونه بشه:

- ✓ They would be healthier if they lived in a village.
- ✓ I would buy a house if I were you.

نکته یک اینکه به مثال‌های بالا توجه کنید، اگر جای شرط و جواب شرط عوض بشه، دیگه کاما نمی‌خواد، در غیر این صورت بین شرط و جواب شرط کاما داریم.

✓ دو اینکه به آخرین مثال توجه کنید... توی این مدل جملات شرطی هر موقع می‌خوایم بگیم «اگر من جات بودم» نمی‌گیم (if I was you) یا اگر می‌خوایم بگیم «اگر من جای اون بودم» نمی‌گیم:
 (was) غلطه her/him if I was

✓ با I هم باید مثل you, we, they برخورد کنیم.
 ✓ حالت درست اینجوریه:

- If I were you...
- If I were her / him...

Lesson 3

Vocabulary:

fossil	فسیلی	radiation	تابش، تشعشع	nuclear	هسته‌ای
include	شامل کردن	widely used	به تعداد زیادی ازش استفاده می‌کنند	material	ماده سازنده
digest	هضم کردن	store	ذخیره کردن	gadget	وسیله
renewable energy	انرژی تجدیدپذیر	landfill	محل دفن زباله	coal	ذغال
create	تولید	enough	کافی	produce	تولید
generate	تولید	solar	مربوط به خورشید	hydro	مربوط به آب
air conditioner	کولر	blow	وزش باد	remind	یادآوری کردن
rich	سرشار از	resource	منبع	fuel	سوخت

balcony	بالکن	consume	مصرف کردن	oil	نفت
tide	موج	variety	تنوع	light bulb	چراغ
forever	تا ابد	use up something	تمام کردن چیزی	replace	جایگزین کردن
absorb	جذب کردن	convert	تبدیل کردن	demand	تقاضا

Idioms:

- ✓ Money does not grow on trees: نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود
- ✓ Easy come, easy go: باد آورده را با می‌برد
- ✓ There is no place like home: هیچ‌جا خونه خود آدم نمی‌شه
- ✓ Absence makes the heart grow fonder: دوری و دوستی
- ✓ God helps those who help themselves: از تو حرکت، از خدا برکت
- ✓ The early bird catches the worm: سحرخیز باش تا کامروا شوی
- ✓ Birds of a feather, flock together: کبوتر با کبوتر، باز با باز
- ✓ Actions speak louder than words: دو صد گفته چون نیم کردار نیست
- ✓ Practice makes perfect: کار نیکو کردن از پرکردن است
- ✓ Too many cooks spoil the broth: آشپز که دو تا شد آش یا شور میشه یا بی‌نمک
- ✓ Two heads are better than one: هر سری یک فکری دارد
- ✓ Don't count your chickens before they hatch: هنوز نه به داره، نه به باره
- ✓ Cut your coat according to your cloth: پاتو به اندازه گلیمت دراز کن
- ✓ A burnt child dreads the fire: مار گزیده از ریسمان سیاه‌وسفید می‌ترسه
- ✓ Kill two birds with one stone: با یک تیر دو نشون زدن
- ✓ Don't look a gift horse in the mouth: دندان اسب پیشکشی رو نمیشمرن

Grammar

Passive voice with modals

Modals + be + pp verb

Example:

- ✓ The principal should call the parents: The parents should be called.
- ✓ The cook may make a fish salad for dinner: A fish salad may be made for dinner.
- ✓ People must obey the traffic rules: The traffic rules must be obeyed.
- ✓ They can fix the house: The house can be fixed.

Past perfect

✓ **گذشته کامل:** از این زمان وقتی استفاده می‌کنیم که کاری رو توی گذشته برای مدتی مشخص انجام می‌دادیم و حالا تموم شده و دیگه انجامش نمی‌دیم.

✓ **مثلاً:** من قبلاً دو سال به کلاس زبان رفته بودم.

- ✓ I had gone to English class for two years before.
- ✓ Had + pp verb
- ✓ Some more examples:



✓ When I arrived at the party, my grandmother had already gone home.

✓ وقتی به مهمانی رسیدم مادر بزرگم دیگر به خانه رفته بود.

✓ I knew I had seen that man somewhere before.

✓ می‌دونستم اون مرد رو قبلاً جایی دیده بودم.

✓ That woman told me she had worked in Isfahan

✓ اون زن به من گفت که قبلاً در اصفهان کار می‌کرده.

نکته توجه کنید که زمان‌های انگلیسی رو دقیقاً نمی‌شه به فارسی برگردوند، پس هیچ‌وقت سعی نکنین جمله رو ترجمه کنید و گرامر رو استفاده کنید. سعی کنید انگلیسیش رو یاد بگیرید وگرنه سؤال رو اشتباه جواب می‌دین.

□ Writing

Note-taking is a necessary part of the language learning. It helps students learn, keep, and remember information. Taking notes make them think differently about the subject; it requires the learners to look at things differently. It also helps them pay attention during the class, because they are actively listening and experiencing in the classroom. Not only do the students meet their needs by taking good notes in English classes, but everyone should find note-taking as the best way to work with written and spoken texts. Taking notes let learners check interesting points from what they are researching, reading or listening to. Writing some parts in their own words, also called note-making, makes everything clear for the note takers when looking back at the text. It is a much better learning technique than just depending on your own memory. Remember that word-for-word note-taking can hurt systematic thinking as it takes away the time of explaining ideas through examples and pictures by just writing down facts without context. It is why Isaac Newton said that he did great things just because he was sitting in the great men's classes and taking notes.

□ True / False

1) Note-taking makes learners different in thinking.

- a) True
- b) False

2) You should write in your own words when taking notes.

- a) True
- b) False

□ Choose the best answer.

3) Which of the following is NOT true about note-taking?

- a) It helps learners check interesting points
- b) It is used for written and spoken texts
- c) It helps learners pay attention during class
- d) It depends on your memory

4) According to the passage, word-for-word note-taking can hurt systematic thinking because -----.

- a) it explains ideas through pictures
- b) it takes away the time of people
- c) it is writing down facts without context

d) it depends on active listening

❑ Answer the following questions.

5) Why did Isaac Newton do great things?

6) Why does note-taking help students pay attention during the class?

✓ برای جواب دادن به سؤالات متنی باید بلد باشین اول یک بار متن رو skim کنید، یعنی این که در عرض مثلاً ۲۰ ثانیه همچین متنی رو نگاه کنین و موضوع کلیش رو پیدا کنین. بعد بیاین سؤالات رو بخونین، دوباره برگردین رو متن و این دفعه با دقت بیشتری متن رو بخونین، هرچی یادتون موند رو جواب بدین تو سؤالات و در آخر دنبال جواب اون سؤالی که یادتون نمیداد تو متن به دقت بگردین. ✓ تو متن لازم نیست تمام کلمات رو بلد باشین، گاهی اوقات اصن عمداً کلمه‌ای بهتون میدن که از قبل نخوندین؛ باید معنی همچین کلمه‌ای رو با کلمات قبل و بعدش حدس بزنین.

بیاین مرحله به مرحله اینو حل کنیم:

۱. یه دور سریع نگاه انداختن یا skim: الان این کار رو که بکنین می‌فهمین ک متن راجع به note taking (یادداشت برداری) است.
 ۲. نگاه به سؤالات: خب یه قسمت که true و false داره می‌خونیم جمله‌هارو، یه سری سؤال ۴ گزینه‌ای داره، دو تا هم سؤال پاسخ کوتاه.
 ۳. حالا این بار متن رو با دقت می‌خونیم، به کلمه require برخورد می‌کنیم، فرضاً معنیش رو بلد نیستیم، جمله‌ای که این کلمه توش اومده اینه: It requires the learners to look at things differently. ما بقیه کلمات این جمله رو بلدیم، بدون require اگر این جمله رو معنی کنیم: یادگیرنده‌ها به چیزها متفاوت نگاه میکنن، در ضمن می‌دونیم it به note taking اشاره میکنه، پس جمله یه همچین حالتی میشه: یادداشت‌برداری یادگیرنده‌ها دیدگاه‌های متفاوتی به موضوعات و چیزها پیدا میکنن. با این حساب می‌فهمیم ک تو جای خالی باید یه چیزی تو مایه‌های باعث میشه قرار بگیره 😊

جواب سؤال‌ها:

1.a	2.a	3.d	4.c
-----	-----	-----	-----

5. Because he was sitting in the great men's classes and taking notes.

6. Because they are actively listening and experiencing in the classroom.